



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۱۲/۰۵

پوهندوی شیما غفوری

نقش زنان در پروسه صلح و در شرایط پسا جنگ

این سوالی است که آنرا باید به طور جدی مطرح نمود و به آن توجه همه جانبه مبذول داشت. تاکید بر نقش و اشتراک زنان در پروسه صلح و تقویت این نقش در دوران بعد از جنگ تضمینی برای کاهش خشونت و ساختن زمینه های بارور برای آشتی اجتماعی ملی و آشتی سیاسی است.

برای رشد و انکشاف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و کلتوری جامعه ضرورت است تا از استعدادها، ریزرف ها و امکانات تمام نیروی بشری یعنی زنان و مردان، استفاده معقول و همه جانبه صورت گیرد. بدون شک آهنگ رشد مطلوب و سریع اجتماعی و اقتصادی کشور مربوط به سهمگیری زنان به مثابه نیمی از پیکر جامعه در پروسه بازسازی افغانستان آینده میباشد. شرایط مناسب برای تعلیم و تربیه، کار و فعالیت زنان در امور کشور استقرار صلح پایدار و پیشرفت متوازن جامعه افغانستان را ضمانت می کند.

جواهر لعل نهرو که خود در دوران بعد از حصول استقلال هند و موجودیت اختلافات گوناگون در جامعه آنوقت با کوهی از مشکلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مقابل بود، در کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» می نگارد که: "چگونه میتواند ملتی به پیش برود در حالیکه نیمی از مردمانش در یک نوع زندان مخفی نگهداشته شوند؟"

از تجارب کشور های زیادی در جهان میتوان گفت که رشد و انکشاف یک کشور رابطه مستقیم با اندازه سهمگیری زنان در امور یک جامعه دارد. یقیناً در کشور عقب نگهداشته شده ای ما نیز بدون اشتراک زنان در همه امور ملی پیشرفت ملت و وطن گند و ناممکن خواهد بود.

زنان افغانستان قشر دردمند ولی پر مسئولیتی را تشکیل میدهند که شکست و ریخت جنگ ها را در مسیر سالهای طولانی دردمندان بر دوش کشیده اند. و اما آنها با حوصله مندی فراوان در پیشبرد زندگی جامعه و تربیت نسل جدید با همه نابسامانی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی سر فرازانه به پیش می روند. صرف نظر از اینکه در شهر ها و یا دهات اند، هر کدام سهم سازنده خویش را در روند اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جامعه دارا میباشند.

افغانستان به عنوان کشوری که طی سالهای متمادی در آتش جنگ های نیابتی و داخلی میسوزد، نیاز به صلح همه جانبه، پایدار و عادلانه دارد. صلحی که در آن حقوق همه اتباع کشور، اعم از زن و مرد، محفوظ بوده و زمینه سالم اجتماعی و اقتصادی را برای اشتراک همه اتباع افغانستان در رشد و انکشاف جامعه زخمی و خسته از جنگ میسر نماید.

با امضای توافقنامه صلح میان امریکا و طالبان به تاریخ ۲۰/۲/۲۰۲۰ که بر مبنای آن نیرو های امریکایی در ظرف چهارده ماه افغانستان را ترک خواهند گفت، امیدواری ها و همچنان اضطراب های مبنی بر آینده کشور و منجمله سرنوشت زنان ایجاد گردیده است.

امیدواری های افغانها از تطبیق این توافقنامه قطع جنگ و استقرار صلح مثبت در افغانستان است.

اما اضطراب هم میهنان ما و به خصوص زنان در این نهفته است که در چانه زنی های سیاسی و گفتگوهای بین الافغانی نقش اکثریت خاموش مردم و قشر زنان چه بوده و از توافقات بین دولت افغانستان و طالبان و سایر نیروهای درونی و بیرونی که در پروسه صلح افغانستان نیدخل و تاثیر گزار اند، چه نوع نتایجی به دست می آید؟

در گذشته های قبل از جنگ مردم مسلمان افغانستان به مقام زن حرمت و عزت زیادی قایل بوده و به وی به دیده قدر می نگرستند. زنان دست آوردهای روز افزونی را در عرصه علم، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و سیاست دارا بودند و همواره قله های موفقیت را به تدریج و بلا انقطاع فتح مینمودند. چنانچه زنان در رقابت های آزاد به وکالت رسیدند و وزارت های را اداره مینمودند.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

اما با شروع جنگ های داخلی و گروهی زمانی که تفنگ به جای منطق به سخن آغاز نمود، موقف زنان در افغانستان زیر ضربات مرگباری قرار گرفت و نقش آنها در جامعه سیر نزولی را پیموده و حتی گاهی به قهقرا رفت. چه بسا که بسیاری در جنگها شهید شدند و یا از وطن هجرت نمودند.

در طول دو دهه اخیر مکاتب دوباره به روی دختران باز شد و حتی راهش را در قریه جات دوردست گشود و به تعداد فارغ تحصیلات مکاتب و پوهنتونها حتی بیشتر از دوران های سابق صلح افزونی به عمل آمد. زنان داخل کشور امکانات بیشتر رشد علمی پیدا نموده و با تجارب علمی و عملی شان سرمایه بشری وطن را تقویت بخشیدند. اما علی الرغم پیشرفت ها با درد و دریغ باید اعتراف کرد که در طول دو دهه اخیر با وجود مصارف هنگفت مالی و تطبیق پروژه های بی شمار، کار بنیادی برای تقویت موقف بایسته زنان در جامعه به گونه مطلوب و ممکن انجام نه شده و فرصتهای زیادی ضایع گردیده است.

بر اساس تحقیقی که مجتمع جامعه مدنی افغانستان در سال ۲۰۱۹ انجام داده است، با وجود دست آورد های نسبی ۷۶ فیصد زنان در کشور مورد انواع خشونت ها قرار دارند. مساعدت های مادی و تبلیغاتی «جامعه جهانی» و فعالین دولتی و انجویی نتوانستند خشونت های زبانی، فیزیکی، جنسیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی زنان را از بین ببرد، بلکه در بعضی موارد شدت هم یافته است. زنان اکثراً حتی در دوایر دولتی، ماموریت های رسمی و سایر جاهای کار و وظیفه به حیث افراد درجه دوم به شمار می آیند.

با وجود پیشرفت های نسبی در شخصیت و موقف زنان متأسفانه خشونت های فیزیکی، روحی و اجتماعی در مقابل زنان وجود دارد.

هرگاه علت خشونت فعلی در قبال زنان را بخواهیم ریشه یابی نماییم، دیده میشود که عامل عمده آن روحیه زورگویی، خشونت های گروهی و فردی، تسلط عنعنوی مرد سالاری، جنگ های فرسایشی و پیامد های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از این جنگها میباشد که زنان کشور را در همه ابعاد جامعه مورد فشار قرار داده است. چنانچه در یک تحقیق علمی سازمان حقوق بشر و دموکراسی افغانستان به نام «حقوق زنان از نگاه مردان» آمده است که برخورد مردان نسبت به زنان پرخاشگرانه، بدبینانه و سرکوب گرایانه است. این تحقیق دوساله در شهر های کابل، هرات، بامیان و بلخ انجام یافته که طی آن با ۳۹۰۰ مرد مصاحبه صورت گرفته است. با وجودیکه این چهار در جمله شهرهای اند که در دو دهه اخیر از امکانات انکشافی بیشتر برخوردار بوده اند. از نتیجه این تحقیق علمی می توان رفتار مرد های شهر ها و ولایات دیگر کشور را در قبال زنها قیاس نمود. اینکه چرا وضع چنین است، در مورد توضیحی صورت نگرفته است.

باید به خاطر آورد که در جریان صد سال اخیر در افغانستان کارنامه های افتخار آمیزی به نام زنان رقم خورده است. همچنانی که در سایر کشور های آسیایی، چه اسلامی و یا غیر اسلامی، ما شاهد فعالیت های گسترده زنان در همه امور جامعه میباشیم، به همانگونه میتوان از موفقیت ها و دست آورد های زنان افغانستان در شرایط قبلی و همچنان در حالت نا امن و نامساعد کنونی نیز در امور دولتی و اجتماعی در رده های بالا و در درون جامعه یاد آوری نماییم. در بیست سال اخیر در ارتباط با مقرری های زنان معمولاً تبعیض مثبت به اجرا گذاشته شده است. در مجموع دختران و زنان زحمات خستگی

ناپذیر را برای پیشرفت انجام داده اند. زنان افغانستان به حیث انسانهای عاقل و با درایت مکلفیت های را در قبال جامعه خویش به دوش گرفته اند. در طول دو دهه گذشته زنان و دختران زیادی با استفاده از شرایط مساعد تر برای تعلیم و تربیه و اندوختن دانستنی ها و تجارب اجتماعی، سیاسی، دینی و اقتصادی در داخل وطن کثله بزرگی را به وجود آورده اند که سرمایه علمی پر بهای ملی به شمار می آیند و در کشمکش های آینده نباید متضرر گردند؛ زیرا برای تولید نیروی درس خوانده و با فهم نه تنها سرمایه زیاد به کار است، بلکه سالهای زیاد نیز ضرورت میباشد.

متأسفانه جنگ، نا امنی و مداخلات کشورهای بیرونی دوباره وطن و موقف زن افغان را در معرض خطر قرار داده است

این خیلی غم انگیز است که در کشور ما موقف اجتماعی زنان از چندین دهه بدینسو مد و جذر های را متحمل می شود. منحنی های مثبت و بلافاصله منفی را تجربه کرده اند، در حالیکه در اکثر ممالک نزدیک افغانستان موقف زنان همواره در سیر صعودی پیشرفت می نماید. به گونه مثال در همسایگی نزدیک ما خانم بینظیر بوتو در کشور اسلامی پاکستان دو مرتبه زمام امور حکومت را به حیث صدراعظم به عهده داشت و خانم اندرا گاندی نیز دومرتبه به صفت صدراعظم کشور بزرگ چندین ملیتی هند با عقاید گونه گون انتخاب گردید. در حالیکه با تأسف در کشور ما حالا باید دوباره بالای مکتب رفتن دختران و وظایف زنان در امور خارج از منزل تشویش ها و چانه زنی ها صورت بگیرد.

شرایط قرن 21 ایجاب مینماید که زنان افغانستان باید نقش سازنده و بالنده خویش را به حیث افراد متعهد، کاردان و شرافتمند عهده دار شده و کار مستمر و وطندوستانه و ملت پرورانه خویش را با مسئولیت به پیش ببرند. با اطمینان میتوان گفت که زنان کشور بار دیگر ثابت خواهند نمود که خدمت به وطن و جامعه فرض عین بوده و آنها میتوانند بدون پروژه های گران قیمت هم در مقابل معاش نه چندان بلند در مقایسه با معاش های بلند دونه های خارجی و

داخلی نیز انجام خدمت نموده و مسئولیت ایمانی، وجدانی، وطنی و شخصی خویش را در برابر وطن و وطنداران ادا نمایند.

آن عده از زنان افغانستان که در ممالک مختلف جهان مجبور به مهاجرت شده، دانش و تجارب بزرگی را کسب نموده اند که همه این زنان نیز سرمایه بزرگ ملی بوده و لازم است که آنها همچنان جایگاه خویش را در امر خدمت به وطن و مردم حفظ نموده و به حیث افراد فعال و کادرهای ملی در شرایط بعد از جنگ در خدمت جامعه قرار بگیرند.

تجارب ممالک جنگ زده جهان نشان میدهد که سهم فعال زنان به مثابه مادر جامعه، در شرایط پسا جنگ رول کلیدی را داشته که پروسه های عدالت اجتماعی و امنیت را گسترده تر و با دوام تر می سازد. اوصاف مادر جامعه هم پذیری، شکیبایی، گذشت منطقی، فداکاری، دسپلین، ترحم، اجرائت به موقع، پاک نفسی، وقت شناسی، هوشمندی و ... است. چنانچه همه شاهد این واقعیت هستیم که تمام این صفات، اوصاف یک مادر است که خداوند جنت را زیر پای وی قرار داده است. و زنان افغانستان قادرند تا با همین صفات در آبادانی وطن شریک گردند.

برای آینده افغانستان و زنان کشور لازم است تا همین حالا که مذاکرات صلح روی دست است، همه طرف های دخیل در پروسه صلح یعنی تمام ملت افغانستان تعریف روشنی از آینده سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افغانستان داشته باشند تا مردم افغانستان و به خصوص زنان کشور بدانند که وضع مملکت در شرایط پسا جنگ چگونه و شرایط کار و اشتراک در امور اجتماعی برای زنان به چه منوال خواهد بود؟

اشتراک کم رنگ زنان در پروسه مذاکرات کنونی صلح یک دغدغه و اعتراض قابل درک زنان افغان در سراسر جهان است. اما اکنون این واقعیت مسئولیت نماینده های مرد را دوچندان میسازد تا آنها

همراه با زن های نماینده در پروسه تأمین صلح به خاطر سلامت و پیشرفت جامعه از حقوق و آزادی های بشری زنان در شرایط پسا جنگ طرفداری و دفاع قاطعانه نموده و شرایط بهتر زیستن با همی را در جامعه افغانستان مساعد گردانند. دفاع از حقوق زنان دفاع از حق کل جامعه است.

20.09.20